

ادامه از صفحه اول

چالش «ترس و شرم» در مصاف بیماری

اینک با چنین تابلویی از «چالش ترس و شرم در مصاف بیماری» نیم‌نگاهی به احوال جامعه و بخش‌های گوناگون کشور بیندازیم. اگر پیامدهای بی‌اعتنایی به بیماری فردی، دست‌انلایش بر سر خود شخص و بستگان نزدیک او آوار می‌شود، اما بیماری اجتماعی مانند بختک، گریبان سرنوشت ملت و کشوری را می‌چسبد. خواه بیان این نکته کسانی را دلخوړ کند یا نه، اما واقعیت این است که نه تنها در این سال‌ها بلکه از همان آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی، همواره سایه «ترس و شرم» در برخورد با پذیرش و درمان بیماری‌های خرد و کلان، شخصی و شخصیتی، فردی و نهادی، همه در عرصه عمومی، عامل انکار یا پنهان‌کاری و کوچک‌نمایی آنها بوده است. با نام‌هایی مستعار، از این دست؛ پرهیز از سیاه‌نمایی، خودداری از تضعیف مسئولان و… سبب شده نتوان از بیماری، ناخوشی، ناتوانی، ناراسایی، گژگونوزی و اشتباه – حتی سهوی و ناخواسته – مدبران سخن به میان آورد. انگاری نوعی عصمت بی‌نام‌ونشان گرداگرد آن حلقه زده که اگر بگویي فلان جای کار، نادرست، ناحق و نارواست یا به لحاظ تخصصی ایراد دارد، عرش باورهای مردم می‌لرزد، لاید! این است که اگر در گوشه‌ای از روزنامه‌ای حتی به اشاره خبری هشدارگونه از نشانه‌های وجود یک آفت یا بیماری داده شود، به جای آنکه اورژانس دستگاه‌های درمانگر، برای انتقال بیمار و درمان او وارد عمل شوند، حتی اگر نیاز به جراحی دارد، سراغ آن هشداردهنده می‌روند که چرا؟! جالب است نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته عرفی در جهان نیز با انواع بیماری، ناخوشی و چالش‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و شیور رسوایی فساد بالاترین مقام‌های دولتی‌شان در گستره افکار عمومی نواخته می‌شود و سروکارشان به دادگاه و زندان می‌کشد اما بنیان ساختار سیاسی‌شان تکان نمی‌خورد. چرا آتجاه‌ا از ترس و شرم در مصاف بیماری‌های عفونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خبری نیست؟ مهم‌ترین پیامد این الگوی برخورد از موضع «ترس و شرم» با بیماری‌های گوناگون در کشور ما، علاوه بر وخیم‌ترشدن و متاسازداند و فراگیری سیستمیک و سخت‌تر و پرهزینه‌تر شدن درمان، گره‌خوردن زلف بنیان باورها و ارزش‌های مورد قبول مردم به امور اعتباری است و نگرانی از تاب و توان کالبد جامعه و ساختار سیاسی آن برای بهبود و یزایی سلامت. شاید برخی در پاسخ این نوشته فهرستی بالابند از پیگیری‌های برخی دستگاه‌های نظارتی و برخورد‌های قاطع دستگاه قضائی با متخلفان و مفسدان ارائه دهند. اما، واقعیت این است که بسیاری از اینها مصداق «نوشدارو پس از مرگ سهراب» است؛ رفتاری از جنس واکنش‌های پراکنیخته از تب و تاب‌های مقطعی و به اصطلاح، اقدام ضربتی. گمان این قلم، نخستین گام برای خلاصی از چالش «ترس و شرم» در برخورد با بیماری‌های گوناگون موجود در ساختار و سازوکارها و عملکرد دستگاه‌های اداره‌کننده کشور این است که بپذیریم هیچ شخص حقیقی یا حقوقی، مصون از خطا، گزراه، فساد و بیماری نیست. درست برعکس آنچه تاکنون گفته‌ایم و القا کرده‌ایم و خودمان هم باورمان شده که جامعه ما، نظام ما، متولیان ما، سازوکارهای اداره کشور ما، از اساس، تافته‌های حریریافته‌ای هستند سواي همه عالم که در آن اثری از گژگونوزی نخواهی یافت! و گام دوم این است که از افشای بیماری، چار ترس و شرم مرگ با رسوایی نشویم. با چنین رویکردی، درمان بیماری را به تشخیص و صلاحدید پزشک متخصص واگذار خواهیم کرد، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

ادامه از صفحه ۲

اقتصاد ایران واقتصادهای جهانی

ساکنان این برح‌ها کارمندان شرکت‌های غربی هستند که در پایگاهی که با کمک رهبران محلی در خلیج‌فارس ایجاد کرده‌اند، در همه زمینه‌ها سودآور بازگانی و مهندسی مشغولند. اگر این خواهد وضعیت مردم بومسی یا مهاجر را ببینید، سری به بیغوله‌های اطراف شهرها بزنید. در آنجا مردان شب و روز به نظافت واحدهای برج‌های اشاره‌شده مشغولند. اقتصاد امارات هم مانند عربستان و ایران متکی به نفت است، با این تفاوت که آنها مجبورند مازاد پول خود را به غرب منتقل کنند. ایران با موضع‌گیری در برابر غرب، سهم درخور توجهی از درآمد نفت را صرف امور دفاعی کرده است. غرب می‌خواهد ایران و ونزوتلا هم مانند کشورهای عربی عمل کنند. جلوی درآمد نفت آنها را می‌گیرند که به خزانه این کشورها آسیب زده و مردم به لحاظ معیشت به سختی افتاده‌اند. پمپو و جان بولتون محاصره اقتصادی را که خود موجب آن شده‌اند، به صورت ناتوانی دولت‌ها جلوه می‌دهند تا مردم را بشوړانند. خشم نباید جای تدبیر را در ذهن مسئولان جامعه تحت فشار، بگیرد. شاید استفاده از دیپلماسی، کاراتر از نرد ناشی از خشم باشد. استعفای طریف از وزارت خارجه ناشی از ناخرسندی‌ای است که دلایل آن بر همگان روشن است. این امر چه در سیاست و چه در اقتصاد، موجب زیان است. یک فرمانده ارشد فرانسوسی در دوره ژنرال دوگل گفته بود یک فرمانده خوب باید کاری کند که سرباز دشمن جان بیازد نه سرباز خودی؛ این یعنی تحمل سختی ناشی از رفتار نرم و سیاست‌مدارانه.

شرق: بالای ۵۰ درصد؛ این نرخ شاخص فلاکت است که برای اولین بار در دولت روحانی، در پاییز سال جاری به بالای ۵۰ رصد رسیده و افزایش شدید تورم و کاهش نرخ رشد اقتصادی، نیروی پیشران آن بوده‌اند. با این حال نرخ ۵۲٫۸درصدی شاخص فلاکت فعلی هنوز تا رسیدن به نرخ شاخص فلاکت در سال‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد فاصله دارد.

شاخصی برای سنجش فلاکت

این شاخص که نخستین‌بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط اقتصاددانی به نام «آرت اوکسن» برای ارائه تصویری از وضعیت اقتصاد آمریکا به رئیس‌جمهوری وقت، لیندون جانسون معرفی شد، با محاسبه یک فرمول ساده به‌دست می‌آمد. در آن زمان تنها نرخ تورم سالانه هر کشور با نرخ بی‌کاری آن جمع می‌شد و به این ترتیب شاخص فلاکت به‌دست می‌آمد. با گذشت زمان اما این فرمول بارها مورد ویرایش قرار گرفت تا اینکه امروزه عدد این شاخص برای هر کشور از مجموع نرخ بی‌کاری، نرخ تورم و نرخ بهره‌وام‌ها منهای درصد تغییر سرانه تولید ناخالص داخلی به‌دست می‌آیند. هرچه عدد (منوره) این شاخص بزرگ‌تر باشد، میزان «فلاکت» آن کشور بالاتر است.

با بررسی رابطه میان بی‌کاری و تورم می‌توان عملکرد اقتصادی یک سیستم را تا حدودی مورد ارزیابی قرار داد چراکه دو شاخص اشتغال و قدرت خرید نصاد اصلی معیشت یک جامعه است. بررسی دوره ۱۷ساله این دو شاخص نشان می‌دهد نرخ بی‌کاری بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ بین ۱۰٫۳ تا ۱۴٫۲ درصد در نوسان بوده که بیشترین رقم مربوط به سال ۱۳۸۰ با ۱۴٫۲ درصد و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۳ با ۱۰٫۳ درصد است. در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ نرخ بی‌کاری بالاتر از نرخ تورم بوده است. از سوی دیگر بر اساس آمار ارائه‌شده توسط بانک مرکزی بیشترین نرخ تورم در دوره بررسی‌شده مربوط به سال ۱۳۹۲ برابر ۳۴٫۷ درصد و پایین‌ترین نرخ تورم مربوط به سال ۱۳۹۵ است.

شاخص فلاکت برای اولین بار در دهه ۷۰ میلادی توسط دو اقتصاددان مطرح شد. اما روش این دو برای محاسبه شاخص فلاکت با یکدیگر فرق داشت. آرتر

اوکان از روش ساده ترکیب دو شاخص نرخ بی‌کاری و نرخ تورم استفاده می‌کرد که به صورت یک ترکیب خطی معمولی تهیه می‌شود. به این صورت که شاخص فلاکت مجموع دو شاخص نرخ بی‌کاری و نرخ تورم است. اما رابرت بارو از ترکیب دو شاخص تولید ناخالص داخلی و نرخ سود بانکی، شاخص فلاکت را تعیین می‌کرد.

برخی اقتصاددانان رابطه‌ای قوی بین شاخص

فلاکت و نرخ جرم و جنایت قائل هستند و در برخی از کشورها شاخص فلاکت به عنوان یک شاخص پیش‌نگر برای نرخ جرم و جنایت شناخته می‌شود. در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ بیشترین مقدار شاخص فلاکت در سال ۹۱ با ۶۴٫۴ واحد درصد و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۹۵ با ۲۴٫۸ واحد بوده است.

تأثیر برجام بر شاخص فلاکت

شاخص فلاکت نمادی است که وضعیت رفاه



بی‌نهایت افزایش نرخ تورم

جامعه را در یک نمای کلی نشان می‌دهد. از روی تغییرات این شاخص که از رابطه نرخ بی‌کاری، تورم، نرخ بهره بانکی و نرخ رشد اقتصادی به دست می‌آید، می‌توان فهمید چقدر معیشت مردم راحت یا سخت‌تر شده است و همین شاخص است که تا حدود زیادی فشار اقتصادی واردشده بر جامعه را نشان می‌دهد. در بررسی شاخص فلاکت در دو دهه گذشته فشاری که به زندگی مردم وارد شده به خوبی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ نمایان است و حاصل این فشار شدید را نیز می‌توان در حضور گسترده مردم در انتخابات ۹۲ برای تغییر سیاست‌های کلان سیاسی و امور خارجی کشور مشاهده کرد. پس از آغاز به کار دولت روحانی و توافق برجام اما شاخص فلاکت به سرعت رو به کاهش نهاد و با کاهش نرخ تورم، نرخ بهره بانکی و افزایش نرخ رشد اقتصادی به مدد فروش دوباره نفت، به ارقام شاخص فلاکت در پایان دولت خاتمی نزدیک شد. با خروج آمریکا از توافق ایران و ۱+۵ اما بار دیگر شاخص فلاکت حرکت صعودی خود را از سر گرفت.

یک رکورد برای دولت روحانی

نگاهی به آمارهای اقتصادی در پاییز ۹۷ نشان می‌دهد افزایش شدیدی تورم از ۹۰۶ در سال ۹۶ به ۲۳۰۵ در پاییز ۹۷ در کنار کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از ۳۰۷ درصد در سال ۹۶ به ۰۰۴ درصد در پاییز ۹۷ باعث افزایش شدید شاخص فلاکت نسبت به سال گذشته شده است. درحالی‌که نرخ بهره بانکی نسبت به سال گذشته تغییری نکرده و نرخ بی‌کاری نیز کاهش بسیار اندکی داشته است؛ این افزایش دو شاخص دیگر باعث شد تا نرخ شاخص فلاکت از عدد ۳۶ در سال ۹۶ به عدد ۵۲٫۸ در پاییز ۹۷ برسد. عددی که نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی بر معیشت خانوار در سال جاری به شدت افزایش یافته و به شرایط سال‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد نزدیک می‌شود. بنابراین با این اعداد می‌توان گفت دولت روحانی در زمینه شاخص فلاکت یک رکورد جدید برای خود ثبت کرده که هنوز به پای رکورد دولت احمدی‌نژاد نرسیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مشکلات ساختاری صنعت سیمان کشور را آسیب‌شناسی و بررسی کرد

چوب حراج به سیمان

سیمان‌های بیشتر و تخصصی‌تری تولید می‌شود. او اضافه می‌کند: باید برای سیمان بازارهای جدید مصرف تعریف کنیم. جاده‌های ما همچنان آسفالت می‌شود. قیر با شن و ماسه مخلوط و به عنوان پوشش به کار گرفته می‌شود. در صورتی که کشورها بزرگ برای نقشه، به تولید مازاد جاده را با سیمان خاص خود می‌سازند. این کار به صورت تخصصی و فنی انجام می‌شود و ما هم می‌توانیم همین کار را انجام دهیم. به این ترتیب با تغییر برخی رویکردها، بازار مصرف برای سیمان تولیدی ایجاد می‌شود. البته اعمال این تغییرات به وزارت راه و شهرسازی باز می‌گردد.

سود صفر صنعت سیمان

سیدمحمد اتابک رئیس انجمن صنفی کافرمایان صنعت سیمان نیز در گفت‌وگو با «شرق» گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در زمینه وجود ظرفیت اضافه در صنعت سیمان را تأیید می‌کند. به گفته او ایجاد مشکل در صادرات و برگرداندن پول به داخل کشور و کاهش بودجه عمرانی دولت و ایجاد رکود در اجرای پروژه‌های عمرانی منجر به کاهش مصرف سیمان شده است. البته اتابک تأکید می‌کند: در صورت خروج از شرایط رکود و مصرف بیشتر سیمان هم فعلا همین کارخانه‌هایی که ایجاد شده‌اند، می‌توانند نیازهای داخلی را تأمین کنند. او درباره وجود رقابت منفی در میان تولیدکنندگان ایرانی می‌گوید: ظرفیت تولید داخلی سیمان ۸۵ میلیون تن است در حالی که مصرف سیمان به سختی به ۶۰ میلیون تن می‌رسد. به این ترتیب ۲۵ میلیون تن ظرفیت مازاد داریم. مازاد عرضه باعث می‌شود که سیمان با یک تخفیف اساسی به فروش رود.

به اعتقاد رئیس انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به تفاوت هزینه‌های تولید در نیمه اول امسال نسبت به نیمه دوم سال جاری توجهی نشده است در حالی که این هزینه‌ها کاملا با یکدیگر متفاوت است و اثرات تغییر قیمتی نیمه دوم سال، به زودی وارد حساب‌های دفتری واحدهای تولید سیمان شده و آنها را وارد حاشیه ضرر خواهد کرد. او ادامه می‌دهد: در شش‌ماهه دوم سال، قیمت تمام‌شده کارخانه سیمان نزدیک به ۵۰ درصد بالا رفته است. این در حالی است که کارخانه‌هایی که باید هر تن سیمان خود را ۱۶۰ هزار تومان به فروش برسانند، محصول خود را ۲۰ درصد زیر قیمت مصوب فروخته‌اند.

اتابک می‌گوید: سود صنعت سیمان صفر شده است. در این شرایط به کارخانه‌هایی که به‌دست‌آمده ارزی دارند، فشار بیشتری وارد خواهد شد و ممکن است فروش زیر قیمت محصول سبب شود که آنها از چرخه تولید خارج شوند.

او یادآوری می‌کند: اغلب کارخانه‌هایی که تازه‌ساز هستند بدهی‌های

ارزی دارند اما صرفا این کارخانه‌ها دارای چنین بدهی‌هایی نیستند.

خرید لوازم خارجی نیازمند مصرف ارز است که این مسئله روی قیمت

تام‌شده سیمان تأثیر زیادی خواهد داشت.

اقتصاد

برای اولین بار در دولت روحانی

شاخص رفاه تغییر کرد

یادداشت

چرا اروپایی‌ها نمی‌توانند ایران را به آمریکا ترجیح دهند؟



فرزین حقدول*

● روابط ایران و اتحادیه اروپا در چند سال اخیر همواره دستخوش تغییر و تحولات بسیاری بوده است. با وجود پتانسیل‌ها و زمینه‌های متعدد همکاری بین اهالی سیرزمین پارس و ساکنان قاره سبز، محدودیت‌ها و وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی اروپا به آمریکا، مانع روابط پایدار بین تهران –بروکسل شده است.

پس از برجام و سفرهای بی‌شمار مقام‌های اروپایی، امید به استحکام روابط اقتصادی ایران و اروپا پررنگ شد؛ اما پشت‌کردن رئیس‌جمهور ترامپ به قواعد توافق هسته‌ای وین، همه چیز را برای ایران و اروپا در هاله‌ای از ابهام برد. همان‌طور که می‌دانید به نوعی کل روابط انسانی، اجتماعی و بین‌الملل بر اساس قواعد بازی پیش می‌رود و کیفیت این روابط را قدرت سیاسی و اقتصادی طرفین مشخص می‌کند. اگر اقتصاد از یک متغیر وابسته به سیاست خارجی، متصور شویم آنگاه می‌توانیم شاهد استمرار و پایداری روابط در همه زمینه‌ها باشیم.

دنیای کنونی، دنیای خرید و فروش است

و در دنیای خرید و فروش، هرجا سود بیشتری

وجود داشته باشد، افراد، جوامع، دولتمردان و

حکومت‌ها به همان سمت پیش می‌روند. البته

نباید سود را فقط در مسائل مالی و اقتصادی دید

و این سود می‌تواند جنبه‌های دیگری هم مانند

روابط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز داشته

باشد که البته باهم در نهایت به سودهای

مالی و اقتصادی منتهی می‌شوند. این همان

درنظرگرفتن منافع حداکثری به‌جای منافع

حداقلی است.

مثال بارز آن‌هم مواجهه اروپا با ایران و

آمریکااست که بزرگ‌ترین اتحادیه اقتصادی دنیا

ترجیح می‌دهد به‌جای روابط محدود خود با

کشوری مثل ایران، شریک بزرگ امنیتی، سیاسی،

نظامی و اقتصادی خود در آن سوی اطلاتیک را

راضی نگه دارد.

همین حالا که نگاهی به اینستکس (سازوکار

مالی ویژه اتحادیه اروپا با ایران) می‌اندازیم،

تمام محدودیت‌های آن، نه حاصل «زن‌نگ‌بازی»

اروپایی‌ها که به دلیل بسته‌بودن دستشان در

مقابل آمریکااست. در واقع فکت‌ها و شواهد نشان

می‌دهند اروپا بسیار مصمم است که به‌خاطر

برجام هم شده، روابط خود را با ایران حفظ کند؛

اما درهم‌تنیدگی اقتصاد اروپا با ایالات متحده،

مانع استقلال مطلوب قاره سبز در سیاست

خارجی می‌شود.

از سوی دیگر، باید بگوییم اروپایی‌ها، به‌ویژه

مردم این قاره، همیشه از اینکه اتحادیه اروپا و

دولتمردان‌شان دنباله‌رو آمریکا بوده‌اند، ناراحت

بوده و حتی این ناراحتی نه‌فقط در سطح مردم

بلکه در میان اغلب سیاسیون آنها نیز وجود دارد.

اغلب اروپایی‌ها دلبلی نمی‌بینند کشورهای‌شان با

قدمت و تمدنی که دارند، دنباله‌رو سیاست‌های

کشور تازه‌تأسیس، هرچند پرقدرت، آمریکا باشند

و احساس زیرسؤالرفتن استقلال کشور،شان و

اتحادیه اروپا، آنها را در این ماجرا آزار می‌دهد. این

موضوع تا حدودی در درگیری‌های لفظی میان

دولتمردان اروپا و اتحادیه اروپا با رئیس‌جمهور

جدید آمریکا پس از برجام مشهود بوده و

اتحادیه اروپا حداقل در مذاکرات و گفت‌وگوها،

مدعی است دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا نیست

و استقلال سیاسی خود را حفظ خواهد کرد؛

اما نکته‌ای که پیش از این نیز به آن اشاره شد؛

یعنی تلاش برای حفظ روابطی که منجر به سود

بیشتری می‌شود، دلبلی است که اتحادیه اروپا و

حتی کشورهای اروپایی خارج از اتحادیه، در عمل

دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا به‌عنوان قدرت بزرگ

اقتصاد جهانی باشند.

اگر حجم مبادلات کشورهای اروپایی با ایران و

حتی کشورهایی را که روابط دیرینه و مستحکمی

با ما داشته‌اند، با حجم مبادلات‌شان با آمریکا در

کنار هم قرار دهیم، اصلا قابل مقایسه نیستند و

حفظ روابط این کشورها با آمریکا اهمیت بیشتری

نسبت به روابط با ایران دارد. یکی از دلایل این

موضوع، این است که در کشورهای اروپایی و

غربی تمام اقتصاد در دست بخش خصوصی

است و بخش خصوصی نیز اقتصاد خود را برای

روابط سیاسی و بین‌المللی که سودی برایش

نداشته باشد، به خطر نمی‌اندازد. بسیاری

اروپا نیز اگرچه در مذاکرات مدعی تلاش برای

بہترکردن روابط با ایران هستند، نمی‌توانند نسبت

به انتظارات بخش خصوصی خود در اقتصاد

بی‌تفاوت باشند یا آنها را مجبور به همکاری با

کشوری کنند که در صورت همکاری با آن، سود

زیادی را که از ارتباط با آمریکا نصیب‌شان می‌شود،

از دست بدهند. البته اروپا به‌سازوکارهایی

دارند و بانک‌هایی نیز مشخص کرده‌اند که از آن

کانال‌ها بتوانند مبادلات اقتصادی با ایران را انجام

دهند.

●**تحلیلاگر رشد اقتصاد بین‌الملل و دانشجو**

پست‌دکتری کسب‌وکار